

## بررسی حکم وضعی و تکلیفی کلاهبرداری از منظر فقه امامیه با تأکید بر آیات قرآن کریم

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۱</sup>، ابراهیم ولایتی فاضل<sup>۲</sup>، سعیده میرعمادی<sup>۳</sup>، مجتبی انصاری مقدم<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> فارغ التحصیل سطح سه حوزه علمیه قم

<sup>۳</sup> فارغ التحصیل کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

<sup>۴</sup> دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

### چکیده

از منظر آموزه های اسلامی حیثیت، جان، حقوق، مسکن، شغل، و مال انسان دارای حرمت است و هر نوع تعرض به موارد مذکور شرعا حرام است. لذا هیچ کس نمی تواند در مال مردم تصرفی داشته باشد و کلاهبرداری که نوعی تجاوز و تعدی به مال دیگران است، مورد منع فقه قرار گرفت. از این رو، کلاهبرداری از جمله گناهان و جرایم بزرگ و مهم می باشد که علیه اموال اتفاق می افتد و شخص با استفاده از وسایل متقلبانه و فریب و خدعه مال متعلق به دیگری را می برد. از منظر فقه اسلامی، کلاهبرداری از زمره جرایمی است که نوعی اکل مال به باطل محسوب می شود. لذا ادله فقهی همچون آیات اکل مال به باطل، آیات حرام خواری و سحت و قواعدی همچون قاعده لاضرر، حفظ نظام دلالت بر حرمت می کند که فقها برای حکم تکلیفی از آن استفاده کرده اند و قاعده ضمان، آیدای متعاقبه دلالت بر حرمت تکلیفی کلاهبرداری می کند. از این رو، فقها مجازات تعزیر را برای کلاهبرداری استنباط و استخراج نموده اند. روش پژوهش پیش رو، توصیفی و تحلیلی است و روش گردآوری مطالب اسنادی نوشتاری است که از فیش برداری استفاده شد.

**واژه های کلیدی:** احتیال، کلاهبرداری، جرم، اغفال، تدلیس، فقه